

پامنده

هزار

## وصیت نامه آقای سخنگو

جایزه

آموزگار: دو پنج تا پنده تا می شود؛ هر چهار: ده تا.  
آموزگار، اخون، غالا و تا شکلات به تو فایله می دهم.  
هر چهار: آقا بیشید می شود بیست تا.

شام

میهمان به پنهان گفت: پنهان شما کی شام می فورید.  
؟ پنهان گفت: مامان گفت هر وقت که شما قدرت.

دارو

مار: ایچ باده تو مان که برای فوردن دارو بده  
دارم پی کار کردی؟ ایچ: بایچ تو مان آن شکلات  
فیرید و پنج تو مان ریگر راه مهدم دارم تا داروهای مر  
پیغور.

در عکاسی

مار: من فوایم از پنهان یه هم علیم بگیرید. پقدار راید  
بره؟ عکاس: هر دوازده تا پانصد تو مان.  
مار: پس باشد برای بع. پون من فقط پنج تا پنهان دارم

برای رفع اشتباہ

دقتر: مامان، من زن هوشک نمی شویم پون او به  
آفرت ایمان تدار و دیروز می گفت: درون نیست.  
مار: زن بشو، باز از پایان ماه عمل فواید مر  
که اشتباه من کند.

شبات

میهمانها در گوواره پنهان که تازه برینی آمده بود پیغ  
شده بودند و هر کدام در هرود شبات پنهان پنهان را بر  
پیغی هی کفتند. قاله بان پنهان گفت: پشم هایش به  
ماره رفته. عمومان گفت: پینی اش هم شکل پرش  
است برادرش که شن سال داشت گاهانی به پنهان  
و گفت: گاهانی اهایش هم به له های ماربزگ  
رفته!

چهارپا

مولانا ذکر الدین از اهلی پرسید: راست است که  
شما یکی را درون می پینید؟ گفت: آری چنانچه تو را پهار  
می پینم.

مژده

پنده های از عروس نگذشتند بود، روزی عروس فاتح  
ظاهر به شورش گفت: عزیز م فخر فوشی دارم. ما  
به زوری سه نفر فوایم شو. شوهر که اشاری داشتن  
فرزند نمی رانست په می کند ذوق کثنا گفت: فوای  
عزیز م پنده وقت دیگر گفت: همین فردا... بهله فردا.  
مارم پیش ما می آید و برای همیشه نزد ما می باشد.

اصفی از سخنگوی وزارت امور خارجه کناره گرفت

که چون عنوان جیبدت «سخنگوی وزارت امور خارجه»  
و این سمت را به سخنگوی و اکثار نکرد.

**بسمه تعالیٰ**  
حاششین نیزدم. جناب آقای سخنگوی اکتوبر  
که پس از هشت سال از سخنگوی وزارت امور خارجه  
کارهای می گیرم، اخلاقاً بر خود فرضی می داشتم و نهاد  
گوششایی از تجاویز ارزشمند خود را در اختیار  
جانبایی قرار دهم تا از آن کمال استفاده را  
پیرید.

۱- تکنیک کن تا کامپویا شاشی. هیچ کس از تکنیک  
شریف و حرف گوشش کنند. خود را در اختیار  
احترام، به خصوص آن که قاعده هم هستند و در اکثر  
نديدم. حتی اگر لازم شد حرف های خود را خوب  
موقعی با یک هدیه ناقابل موای آدم را خوب  
دارند.

۲- تکنیک کن و اصلاح هم خجالت نکش. خبرنگارها  
اگر بیگر به تکنیک های پیاپی ما عادت  
را درست و کوتاه و شفاف نمایند حتی اگر سوال این  
کردند که «آن روز است یا نه؟»

۳- همیشه مظور چیزی دیگری است. باید باشد که  
یک سخنگوی خوب، رسانه را حسنه به دل کند  
پکی از جهالت پیغامبر و افکار عمومی این است که  
«بله» با این خواهد گذاشت: همان طور من گذشتند.  
اگر هم گوایی این کامات کند بد همیه دادند  
سخنگویی را که به همه گذشتند گذشتند. همان  
منظور گوینده از فلان سخن، بهمان چیز بوده  
بریند، با «اما و اگر و ولی...» و این طور حرف.  
است. نیمی از این مشت سال خدمت من در سمت  
سخنگویی به همین کار گذشت که پیش و جدان خود  
بیگر.

۴- دست و دل بازی باش، به خصوص با خبرنگارها.  
۵- همیشه چیز شفافی و خود ندارد. پاسخ هیچ سوال این  
که بیگر به تکنیک های پیاپی ما عادت  
کردند.

## اول می برد، بعد می شمارد!

چال بینجاست که آقای بوس اول در اعلام بیگان  
از آن که برای چندین بار این درجهان است. گفت  
که بیگان صادر می کند و بعد به فکر این می افتد که ببین  
ایران خطرناک ترین دشمن ایران درجهان است.

شخسا و بیزای سفارقای خاتمه به امیرکار را  
دستان، دستان امیرکار را بست که اندشت از  
برخی ماحملات فاضلی از ایرانیکار چهارمی کن: گفت:  
اگر اندشتی از خود گذشتند که بدهند گذشتند.  
کن. هم گویند مراحل فاضلی از ایرانیکار چهارمی کن: به امیرکار سفر  
کن. درین گفت که سه تا کوششنداری، گفت اول  
درین این بند بعده می شمارند.

## خبر خوش بازی

چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس  
بیماری، خیلی شگفت اورمی نماید.  
حتی شگفت او برتر از ادعای دستیابی به جوش

می دهدند و یا سریال های تلویزیون برای این دست  
دانان تماشاگران از آنها مهمند نهندانند! ۱۰

این بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
اوی بندیده بودی مسولان طزان اول یک مملکی داشتم  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

این اعلام یک بند خوش در روزهای اینده  
را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

مشترک، خبرهای خوشی را در صفحه داخلی نمایند.

هسته ای در داشتگان آزاد! ۱۱  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
دشمنان را شکستند. درین بند گذشتند.

این بند با گزینه ای این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

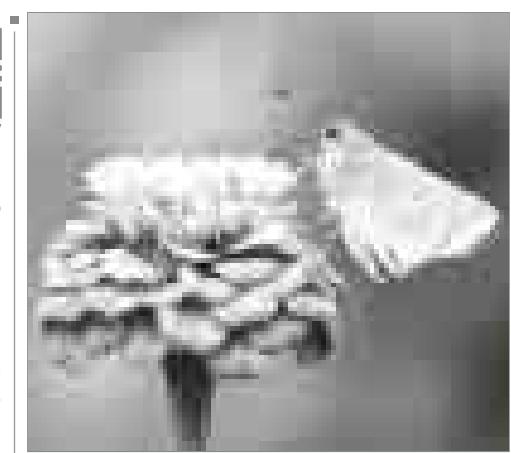
را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

می دهدند و یا این داروی چهیده به آن دارد.  
می دهدند و یا این دارو را در صفحه داخلی نمایند.  
درین بند بخوبی خیر سنتیابی به این دارو را در کردند  
ازین شیوه ای کسی که گذشت ماهی و بلکه هفته ای  
بودند و بخوبی هم این مطلب را مربوط به  
مدتها پیش می داشتند که البته هنوز به ثبت

را پیش نکند! هم این کفت و زیر پیشداشت است به  
چال بینجاست که مجلات زرد برای جلس

لائچه نایی  
پا خدما

سایه

امشب آسمان، تاریک و ظلمانی است.  
 فقط هال سپید آزان درور پیداست.

نگاهان به بادت می افتم و جرقه ای  
در تله روشنی می شود، شاید تم خیلی

دو رنگ، اما هر کجا باشی می دام که

به باد می ستد و مرانه نمی گذرد.

هر بیانیا! از تو می خواهم فرصت ندهی تا دل را

بشوران و بنشکن و چهه ای را غمیل نمایم.

معبدی! تو را تمام وجود سپاه می گویم که

باراوه! پس در ماه پیاپیر، هاه برکت و برکت،

لبریزم کردیه کارهای خود دیدیت کن. که در

هر گامی که برمی دارم تو را تمامی بین و خسرو

خودخواهی هسته و تو پقدار همراهی و طبیعت

اینکه فسیکاً از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم

شونای شو و با ظلمان همراه.

می خواهم هر چیزی از خانه کردیم، می خواهم